

بررسی عناصر سه گانه فکری، شکلی و ساختاری؛ و جلوه های علم معانی و بیان در دعای عهد*

سید ابوالقاسم حسینی زیدی^۱

حمید عباس زاده^۲

احمد محمدیان^۳

چکیده

دعای عهد یکی از مشهورترین دعاها درباره امام عصر^{علیه السلام} می باشد که از امام صادق^{علیه السلام} روایت شده است؛ تصویرهای هنری و زیبایی الفاظ و معانی موجود در دعای عهد، وجود بشری را که آمیزه ای از عقل، احساس و وجدان است، مخاطب قرار می دهد و با تحریک روان او و ایجاد تعادل میان آنها، در نهایت تصویری ایده آل از ابعاد فکری اش را ترسیم می نماید. در پژوهش حاضر به سبک مسئله محور، با روش کتابخانه ای و به صورت توصیفی-تحلیلی، بیان شده است که: عنصر فکری در دعای عهد بیانگر زندگی مهدوی با ۸ مؤلفه برای منتظر است؛ در عنصر شکلی مباحث محاوره، عاطفه، تصویر و موسیقی و مضامین دعا مورد بحث واقع شده است که در عنصر عاطفه پنج مرحله تحریک عاطفه، آمادگی، هویت، هیجان و ارزیابی، و در عنصر تصویر، تصویر خداوند و امام و فرد منتظر بیان می گردد؛ در عنصر ساختاری هم دو محور عمودی و افقی مورد بحث قرار گرفته است. هم چنین در این جستار بیان شده است که: در دعای عهد ۴ جمله خبری و در بحث انشاء شاهد ۱۹ مورد فعل امر، ۲۷ مورد اسلوب ندا که ۲۵ مورد

* تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۲۴

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد مقدس، ایران (نویسنده مسئول) (hoseini.zeydi@razavi.ac.ir).

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد مقدس، ایران (HamidAbbaszadeh@hotmail.com).

۳. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد مقدس، ایران (Mohamadian313@gmail.com).

خطاب به خداوند و ۲ ندا هم نسبت به حضرت حجت علیه السلام می‌باشد؛ در این دعا دوبار اسلوب قصر از باب نفی و استثناء به کار رفته است و یک مورد فصل از نوع کمال اتصال است؛ در بحث اطناب شاهد ذکر خاص بعد عام در ۴ مورد، تکرار و تذیل می‌باشیم. هم چنین در این دعا استعاره ۹ مورد، مجاز ۴ مورد و کنایه ۴ بار به کار رفته است.

واژگان کلیدی

دعای ندبه، عنصر فکری، عنصر شکلی، عنصر ساختاری.

مقدمه

ادعیه واصله توسط معصومین سرچشمه غنی و منبعی سرشار برای درک تعالیم دینی و روحانی اسلام است که ارزشمندترین آموزه‌های معرفتی را در خود جای داده است. این ادعیه موضوعات مورد نیاز بشر در تمامی ابعاد حیات مادی و معنوی مقابل انسان قرار می‌دهد و با نگاهی کلی تمام مبانی اخلاقی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی و حقوقی را بررسی می‌کند. در طول تاریخ و در همه جوامع بشری و پیروان ادیان، دعا به شکل‌های گوناگون فردی و اجتماعی وجود داشته است.

از مهم‌ترین مسائل دینی مسئله انتظار و مهدویت است که دعا‌های متفاوتی به آن پرداخته‌اند و خواندن این‌گونه نیایش‌ها مردان بزرگی را پرورانده است، علی‌الخصوص آن‌چه مربوط به امام عصر علیه السلام بوده، بسیار مورد توصیه و سفارش حضرات ائمه معصومین علیهم السلام واقع شده است.

ادعیه و زیارات منقول از لسان مبارک معصومین به عنوان یک متن ادبی از نظر زبان‌شناسی، معناشناسی و ویژگی‌های بلاغی دارای زیبایی‌ها و ظرافت‌های خاصی است که براساس نوع مخاطب زمان و مکان دعا به شیوه خاصی بیان شده است. تصویرهای هنری و زیبایی الفاظ و معانی دعاها، وجود بشری را که آمیزه‌ای از عقل، احساس و وجدان است، مخاطب قرار می‌دهد و با تحریک روان او و ایجاد تعادل میان آنها در نهایت تصویری ایده‌آل از ابعاد فکری اش را ترسیم می‌نماید.

دعای عهد یکی از مشهورترین دعاها درباره امام عصر علیه السلام می‌باشد؛ دعای عهد از امام صادق علیه السلام روایت شده است و *المزار الکبیر* (ابن مهدی، ۱۴۰۹: ۶۶۴)، *المصباح* (کفعمی، ۱۴۰۵: ۵۵۰)، *البلد الامین* (کفعمی، ۱۴۱۸: ۸۲)، *زاد المعاد* (علامه مجلسی، ۱۴۲۳: ۳۰۲) و ۵ مرتبه در *بحار الانوار* (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۹۶؛ ج ۸۳، ۹۱ و ۲۸۶؛ ج ۹۱، ۴۲؛ ج ۹۹،

۱۱۱) این دعا نقل شده است. نقل این دعا توسط این عالمان بزرگ در کتب مختلف و موارد متعدد نشان از اعتماد آنان به دعای عهد دارد.

علاوه بر این محتوای این دعا در ادعیه دیگر مورد تأیید قرار گرفته است؛ از امام صادق علیه السلام نقل است:

هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم علیه السلام خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خدای تعالی او را زنده خواهد کرد تا در رکاب آن جناب جهاد نماید و به شماره هر کلمه از آن هزار حسنه برایش نوشته می شود و هزار کار بد از او محو می گردد. (ابن مشهدی، ۱۴۰۹: ۶۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۳، ۲۸۴؛ محدث نوری، ۱۴۰۸: ج ۵، ۳۹۳)

دعای عهد در وهله اول یک دوره خداشناسی است و خداوند منان با صفات مختلف در این دعا خوانده می شود. عهد و پیمان و میثاق همیشگی خواننده منتظر با امام از مضامین اصلی دعاست. این عهد و میثاق در هر صباح باعث شکل گیری یک روحیه همراهی با امام می شود و اگر اندک توجهی به آن نماید عهد و میثاق خویش را بر تمام مسائل مقدم می دارد.

در این جستار برآنیم تا سه عنصر اساسی فکری، شکلی و ساختاری و جلوه های علم معانی و بیان را در دعای عهد بررسی نماییم.

عنصر فکری در دعای عهد^۱

دعای عهد که با موضوع مهدویت در پی تصویر زندگی یک فرد منتظر است، بسیاری از فکرهای دینی را معرفی می کند.

۱. زندگی مهدوی منتظر اندیشه اصلی دعای عهد

این دعا مؤلفه های زندگی مهدوی را برای یک منتظر بیان می کند در واقع شیوه زندگی برپایه مبانی انتظار را آموزش می دهد که در سایه این دستورات حیات طیبه افراد ایجاد می شود. در این دعا هنگام توجه به حضرت حجت به غم و فراق حضرت توجه کمتری می شود و بیشتر به بیان اوصاف حضرت می پردازد و بحث شکوی و غم دوری فراق

۱. با توجه به این که عناصر سه گانه فکری، شکلی و ساختاری در مقاله «بررسی عناصر سه گانه فکری، شکلی و ساختاری دعای ندبه» مورد بررسی قرار گرفته است، به توضیح این عناصر در این جستار نمی پردازیم.

حضرت در حاشیه قرار دارد و هنگام معرفی ایشان او را «قائم» به عنوان قیام‌کننده به حق و هادی معرفی می‌کند، به غیبت حضرت زیاد توجه نمی‌دهد و حتی در بحث ظهور هم بیشتر به حالت مبارز با ظلم و فساد اشاره می‌کند؛ می‌توان گفت: دعای عهد یک متن با روحی حماسی است.

این دعا برای زندگی در سایر آموزه‌های مهدوی چند مؤلفه را مطرح می‌کند که در ذیل به مؤلفه‌های زندگی مهدوی براساس دعای عهد پرداخته می‌شود:

اول: خداشناسی و استمداد از او: در این دعا اولین مؤلفه زندگی منتظر را خداشناسی و درخواست و استمداد از خدا بیان می‌کند و لذا به بیان اوصاف و نام‌های خداوند متعال می‌پردازد که این نام‌ها هر کدام معانی خاصی را منتقل می‌کند که بر برخی از آنها در قسمت‌های بعد بحث اشاره می‌شود.

دوم: شناخت امام عصر علیه السلام: دومین مؤلفه داشتن زندگی مهدوی شناخت امام عصر علیه السلام می‌باشد که در این دعا بعد از بیان توحید شناخت امام زمان علیه السلام در این دوران بسیار مهم است و لذا به معرفی او به عنوان ولی و سرپرست، هادی و قیام‌کننده برای خدا می‌پردازد. البته توجه به قرآن و پیامبران در ذیل رب الانبیاء و نازل‌کننده قرآن اجمالاً اشاره می‌شود. **سوم: ابراز علاقه به امام:** مؤلفه دیگر برای زندگی مهدوی اظهار علاقه و مودت به امام زمان علیه السلام است که در این دعا در قالب صلوات و درود بر او ظاهر می‌گردد.

چهارم: برخورد از نگاه جهان‌شمولانه: از دیگر مؤلفه‌های زندگی مهدوی نگاه جهانی و گسترده داشتن است در دعای عهد وقتی می‌خواهد بر امام خویش درود و سلام بفرستد از طرف همه مؤمنین و مؤمنات، در شرق و غرب عالم و در همه مکان‌ها و زمان‌ها است زیرا در این سلام تمام پدران و مادران خود را سهیم می‌کند.

پنجم: عهد و پیمان با امام خویش: برای داشتن یک زندگی منتظرانه عهد و پیمان بستن با امام عصر برای یاری او در تمام مراحل زندگی است منتظر در این دعا پیمان بر نصرت، حمایت و کمک به امام خویش را برگردن می‌گیرد.

ششم: آمادگی برای وفای به عهد: ویژگی دیگر زندگی یک منتظر آمادگی برای یاری حضرت در قیام حضرت است، آمادگی‌ای که منتظر آرزو دارد حتی بعد از مرگ هم ادامه داشته باشد، و منتظر می‌خواهد «شاهراً سیفی و موتزراً کفنی» هم در راه فداکاری برای امام خود عقب نماند.

هفتم: دعا و استمداد از خدا: عنصر هفتم زندگی یک منتظر دعا برای فرج امام خویش است که به واسطه ی آن حکومت عدل حق تشکیل می شود.

هشتم: آشنایی با وظایف امام عصر علیه السلام: آخرین مرحله زندگی منتظر آشنایی به برنامه های امام خویش است در این دعا منتظر به طور اجمال اهداف و برنامه های امام را در می یابد که در احقاق حقوق مظلومان و مبارزه با ظالمان در راه احیای احکام دین خدا و آبادانی زمین قیام می کند.

پس وقتی منتظر با این مؤلفه ها زندگی خود را بنا کرد در سایه این نوع از زندگی نجات خود و همراهان را رقم می زند.

۲. اندیشه فرعی در دعای عهد

طبیعتاً متون دارای یک موضوع نیستند و همواره اندیشه ها و فکرهای دیگر در کنار ایده اصلی متن بیان می شود که توجه و بررسی آنها نکات قابل تأملی را روشن می سازد که از جمله این فکرها در دعای عهد عبارت است از:

الف) توحید و خداشناسی

دعای عهد در ابتدا برای منتظر معرفت الله را ایجاد می کند معرفتی که در عصر غیبت از ویژگی یاوران حقیقی او بیان شده است «مردانی که خدا را آن چنان که باید شناخته اند یاوران مهدی در آخر الزمان هستند.» (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۷۸) در این دعا در ابتدا هفت صفت خاص خداوند متعال را بیان می کند و بعد از آن به ۱۱ وصف از اوصاف الهی اشاره می شود: «اللَّهُمَّ رَبَّ الثُّورِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ...»

این دعا با کامل ترین اسم خداوند متعال «الله» شروع می شود و بعد آن اسم «رب» می آید و ربوبیت خداوند متعال با ۵ وصف همراه است: رب نور عظیم، رب ملائک مقرب و... در بسیاری از دعاها، اصرار و طلب عجین با نام رب شده است. در این دعا ۴ بار به حی بودن خداوند اشاره شده که شاید ناظر به عمر دراز امام عصر یا مبحث رجعت باشد.

ب) معرفی امام عصر علیه السلام

در دعای عهد در دو بخش به معرفی امام عصر می پردازد؛ ابتدا در عبارت «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكِ» امام را به ۵ وصف مولا، امام، هادی، مهدی و

قائم می‌شناساند. در یک قسمت دیگر از دعا هنگامی که می‌خواهد برای فرج امام عصر دعا کند او را با چند لقب معرفی می‌کند: «فَأُظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيِّكَ وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِأَسْمِ رَسُولِكَ» در اینجا هم او را ولی الله، پسر دختر پیامبر و هم نام پیامبر یاد می‌نماید.

او را مولا به معنی سرپرست نامیده‌اند، وظیفه سرپرستی از شیعیان بر عهده اوست علاوه بر سرپرستی امام و الگو و پیشوا هم است، او هادی و تنها راه هدایت در عصر غیبت است و مهدی است چون کسانی را که راه را گم کرده اند نجات می‌دهد و قیام‌کننده بر حق است. (ر.ک: شیخ مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۸۳)

ج) رجعت

یکی از مسائل که در ادعیه انتظار به آن توجه شده است بحث رجعت در عصر ظهور است. از مجموع ادعیه و زیارات، چنین استفاده می‌شود که رجعت، نزد ائمه امری مسلم و قطعی بوده است و آنان، این امر مهم را توسط دعاها و زیارت‌ها، در موارد مختلف، به پیروان خود انتقال می‌دادند.

شیخ حرعاملی در کتاب *الإيضاح* ۱۷۹ روایت در باب رجعت ذکر می‌کند و سپس می‌نویسد:

در هیچ مسئله‌ای راجع به اصول یا فروع دین، در مقایسه با رجعت، به اندازه آن آیه و خبر وارد نشده است؛ احادیث رجعت کم نیستند. بیش از هفتاد راوی احادیث رجعت را نقل کرده‌اند. (ر.ک: حرعاملی، ۱۳۶۲: ۴۵ و ۳۹۱)

در این دعا درخواست زنده شدن بعد از مرگ و یاری امام عصر ناظر به رجعت می‌باشد. در این دعا رجعت را اصل قرار نمی‌دهد بلکه عمل به وظیفه و کمک به امام را اصل تلقی می‌کند. از این دعا به دست می‌آید که رجعت، خاص امامان و انبیاء نیست بلکه محبان و شیعیان ایشان نیز در زمان ظهور امام زمان امکان برگشت را دارند.

د) برنامه‌های ظهور

در بخش پایانی عهد برنامه‌های ظهور در دو امر دیده می‌شود:

اولین برنامه: از برنامه‌های حضرت حجت، آبادی و عمران بلاد است که این عمران را هم می‌توان به عمران مادی آن اشاره کرد و هم حیات معنوی انسان را تأمین

می‌کند: «وَاعْمُرِ اللَّهْمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ»

دومین برنامه: در عبارت بعدی برای توجه به آن چه امام در دوران ظهور انجام می‌دهد به بیان شرایط عصر غیبت می‌پردازد که ظلم و فساد تمام عالم را فراگرفته است و او در پی ریشه کن کردن و از بین بردن ستم‌ها است و لذا هم بحث عمران مطرح می‌شود هم بحث حیات و زنده شدن حقیقی روح انسان. در این دوران حقیقت حق به اثبات و از باطل اثری در جهان باقی نمی‌ماند.

در دوران قیام حضرت مظلومان عالم و بی پناهان کهفی حصین را در کنار خود حس می‌کنند «وَاجْعَلْهُ اللَّهُ مَفْرَعًا لِمَظْلُومٍ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ» کمک حضرت و یاری او شامل تمام مظلومان عالم است و مختص به فرد خاصی نیست و این اشاره به حرکت جهانی حضرت است.

بعد از این که حضرت زمین را آباد و مظلومان را به وسیله مبارزه با ظالمان یاری کرد او به مقوله دین در حیات بشری و برنامه حیات طیبه بشر می‌پردازد و این برنامه از راه احیای کتاب خدا، احکام دین و سنت پیامبر است که در دوران غیبت به دست فراموشی سپرده شده بود «مُجَدِّدًا لِمَا عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

بررسی ساختار دعای عهد

دعای عهد هم از جمله ادعیه انتظار با محوریت حیات مهدوی و آمادگی برای یاری حضرت سیر منطقی و پیوسته از بحث را به ما ارائه می‌دهد به گونه‌ای که حذف این بخش‌های مختلف به سیر بحث و پیوستگی آن آسیب خواهد رساند.

۱. محور عمودی در دعای عهد

دعای عهد که اجزای مختلفی تشکیل شده است که این اجزا در کنار هم برنامه حیات مهدوی را برای فرد تشکیل می‌دهد و این برنامه از بخش‌های مختلفی تشکیل شده است. در این دعا یک بخش به اعتقاد مربوط می‌شود که در آن به مباحث توحید و نبوت و شناخت امام زمان به عنوان حجت خدا اشاره می‌شود.

در محور بعدی سلام و درود منتظر به امام ابلاغ می‌شود این سلام‌ها یک ویژگی مهم عام بودن در تمام حالات را شامل می‌شود: «عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ

الأرضِ وَمَغَارِبِهَا»

در محور بعدی عهد و پیمان منظر با امام خویش است در این مرحله منتظر درخواست استوار و ماندگاری بر این عهد را از خدا می‌خواهد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ»

در مرحله بعد منتظر برای یاری امام خویش پا به میدان عمل می‌گذارد و این توفیق را از باری تعالی طلب می‌کند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ»

منتظر این آمادگی را برای یاری امام خود حتی برای بعد از مرگ هم حفظ می‌کند و نمی‌خواهد در رجعت تأخیری از او در نصرت امام انجام بگیرد و لذا به جای لباس رزم کفن خویش را زره تلقی می‌کند: «فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتِزراً كَفَنِي شَاهِراً سَيْفِي مُجَرِّداً قَتَاتِي مُلْتَبِئاً دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي»

بعد از این این که تسلیم بودن خود را اعلام می‌دارد برای فرج و ظهور دعا می‌کند و این دعا به گونه‌ای است که دیگران هم ترغیب به فرج بشوند و گویی به طور هوشمندانه منتظر به سایرین برنامه‌های حضرت را هم اعلام می‌دارد تا آنها هم با مقوله انتظار و بلندی اهداف آن متوجه گردند:

وَأَعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ ... وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعاً لِمُظْلُومِ عِبَادِكَ وَنَاصِراً لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِراً غَيْرَكَ وَمُجَدِّداً لِمَا عُظِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُسَيِّداً لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ.

در پایان هم او را آرامش و مایه تسکین بعد از شدت بیان می‌کند و یک تلنگری ایجاد می‌کند که فرج او را قریب و نزدیک ببیند و رنه گمراه می‌شود:

ارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ حُضُورِهِ وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَنَرَاهُ قَرِيباً.

۲. محور افقی در دعای عهد

دعای عهد علاوه بر خط سیر واحدی که دارد اجزاء گوناگون آن در چند محور مورد بررسی قرار می‌گیرد:

محور اول: در این محور به بحث خداشناسی پرداخته می‌شود، این خداشناسی که در ابتدای دعا مطرح می‌گردد ره توشه منتظر می‌شود در دوران سخت غیبت؛ البته همین

بخش هم به دو قسمت قابل تقسیم است:

الف. معرفی عظمت و بزرگی خدای خویش که منزل قرآن، تورات، انجیل، زبور است؛ پروردگاری همه انبیاء و ملائک مقرب و همه موجودات خلق او هستند.

ب. در قسمت دوم خداوند را قسم می دهد و در این قسم ها مجدداً متوجه کبریای ذات مقدس پروردگار می گردد، خدایی که نور آسمان و زمین، ازلی و ابدی و اصلاح کننده همه بشریت است.

این مرحله و توجه به بزرگی خداوند منتظر را برای ورود به اندیشه ها و مراحل سخت عصر غیبت آماده می کند زیرا در تمام آنها خداوند را حاضر و ناظر و یاور می بیند.

محور دوم: امام عصر؛ این محور را می توان متشکل از سه بخش به حساب آورد:

الف: در این جا ابتدا منتظر قبل از هر چیز فرج مولای خود را طلب می کند.

ب: معرفی امام زمان که درباره او از ۵ وصف ولی، امام، هادی، مهدی و قائم استفاده می کند.

ج: در این جا صلوات بر امام عصر را به عدد علم خدا هدیه می کند یعنی عددی بی پایان.

محور سوم: عهد و پیمان؛ در این محور منتظر چند گام جدی در انتظار خود را بیان می کند:

الف: در اولین گام تجدید عهد و پیمان با مولای خویش.

ب: سپس آرزوی قرار گرفتن در زمره یاران او را مطرح می کند.

ج: اعلام وفاداری تا هنگام مرگ و حتی انتظار فرج خانه قبر با حالت آمادگی.

د: در قدم چهارم هنگامی بعد از تجدید عهد، بیان آرزو و اعلام وفاداری خود از یک شوق سخن به میان می آورد و آن دیدار امام عصر است.

محور چهارم: فرج؛ در مرحله این شخص بیشتر نگاه به جایگاه و نقش اصلاحی حضرت دارد و در چند قسمت به عصر غیبت و ظهور می پردازد.

الف: فرد ابتدا برای فرج حضرت حجت دست به دعا بر می دارد.

ب: در قسمت بعد در ذیل همین دعا به نقش آبادگرانه و احیاگری حضرت در عصر ظهور اشاره می شود «وَأَعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ» در این مرحله اشاره به بخش اصلاحات مادی حضرت است.

ج: در گام بعدی به جایگاه معنوی حضرت در عصر ظهور و برپایی قسط و داد و

احکام دین می‌پردازد:

وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْزَعًا لِمُظْلَمٍ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَجُجِّدًا لِمَا
عُظِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ.

د: در پایان، یک نکته در باب فرج که ملاک مؤمن و غیرمؤمن به این امر چیست را
بیان می‌کند:

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ
قَرِيبًا.

بررسی شکلی دعای عهد

دعای عهد که به بیان ارزش‌های زندگی مهدوی می‌پردازد از حیث شکلی مانند
دعای ندبه است که اساس آن بر محور گفتگو میان عبد و خالق شکل گرفته و در سایر
مؤلفه‌ها هم تا حدودی شباهت به دعای ندبه دارد که به آن اشاره می‌شود.

۱. عنصر محاوره در دعای عهد

در دعای عهد فقط شاهد خطاب مشخص هستیم و مخاطب خداوند متعال و امام
عصر است؛ در این دعا ما شاهد دو حوار هستیم: حوار اول که گفتگوی مخلوق با معبود
خویش است که تمام دعا را تشکیل می‌دهد و حوار دوم کلام منتظر با امام خویش است.
در این دعا خطاب و مکالمه از ابتدا تا پایان با خداوند منان انجام می‌شود در ابتدای
این گفتگو ما تا حدودی شاهد تسبیح و تحمید خداوند هستیم و منتظر تمام تمرکز
خویش را به خداوند معطوف می‌سازد.

حوار میان مخلوق و خالق در ادامه متوجه حضرت حجت می‌گردد و مسائل مختلفی
از جمله فرج حضرت، طلب پایداری در راه امام، پایبندی به عهد خویش، نصرت امام
و... موضوع این گفتگو است. در واقع اوج و کمال زندگی یک منتظر در قالب گفتگو با
خداوند منان حول امام منتظر بیان می‌شود.

در قسمت پایانی دعا امام عصر هم خطاب می‌شود و طرف این گفتگو قرار می‌گیرد و
منتظر استعجال در فرج را به امام خویش عرضه می‌دارد «الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مُؤَلَّيَّ يَا
صَاحِبَ الزَّمَانِ».

۲. عنصر عاطفه در دعای عهد

دعای عهد دعایی است که عاطفه در آن بیشتر روح حماسی را در فرد منتظر به حرکت و هیجان در می آورد و در همین دعا اوج شوق و اشتیاق منتظر در قالب حمایت و فداکاری حضرت متبلور می شود که این حس دلاوری به خوبی در قالب گفتمان عاطفی دعا درک می شود، که در ذیل به آن پرداخته می گردد:

الف) مرحله تحریک عاطفه

در طرح واره فرآیند عاطفی گفتمان در مرحله اول تحریک و ترقیق عاطفه انجام می گیرد: در دعای عهد مرحله تحریک عاطفه به تعظیم و تحمید خداوند متعال انجام می شود.

در ابتدای دعا خداوند را با رب نور عظیم، رب کرسی رفیع و ... صفاتی از عظمت خطاب می کند در همین مرحله می خواهد از خدای خویش در خواستی انجام دهد و لذا مسألت از خداوند را آغاز اما از بیان خواسته ای خویش خودداری می ورزد و خداوند را به محیی و ممیت بودن قسم می دهد این سوگندهای پی در پی در دعا حس کنکاش و جستجو را در شوش گریز فعال می کند.

ب) مرحله آمادگی

در مرحله آمادگی، هویت فرد منتظر و متأثر از دعا به صورت فعلی آشکار است و در اینجا خواسته ای که برای آن قسم های متعددی داده بود بیان می گردد و آن فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْمَهَادِيَّ الْمُهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ
الظَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا

در همین جا درخواست سلام و رحمت برای امام خویش می نماید، سلامی از طرف همه مؤمنین و مؤمنات، از شرق تا غرب عالم، در پستی و بلندی های زمین، در خشکی ها و دریاها، از طرف خود منتظران و پدران و مادران آنها.

در این جا وقتی از مشرق و مغرب و دریا و خشکی ذکری به میان می آید، ناخود آگاه غربت و دوری امام برای فرد در خاطرش جولان می یابد که مولای من کجاست؟ در خشکی یا دریا، شهر یا بیابان؟ وقتی مؤمنین و مؤمنات را ذکر می کند به نوعی کنایه به

فراموشی امام دارد که کسی از او خبری ندارد. وقتی از طرف پدران سلام می‌دهد طول هجران و فراق را زنده می‌کند. با اندکی تأمل در معنا و مفاهیم عبارت، اندوه برانسان حاصل می‌شود.

این سلام و درود در واقع اظهار علاقه به امام هم می‌باشد محبت قلبی مفید است اما باید اظهار هم شود.

ج) مرحله هویت

این مرحله نقش جایگاه مرکزی را در مجموعه مراحل عاطفی به عهده دارد. در همین بخش در حالات فرد تغییر رخ می‌دهد و انسان هویت عاطفی خاصی را از خود بروز می‌دهد در این دعا هویت عاطفی منتظر در وفای به عهد و پیمان با امام خویش ظاهر می‌شود.

در دعای عهد بعد از دعا برای فرج امام، منتظر که متأثر از غربت و فراق حضرت است هیجان خود را با تجدید بیعت و میثاق نشان می‌دهد:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُجِدُّ لَهٗ فِیْ صَبِيْحَةٍ یَّوْمِیْ هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ اَیَّامِیْ عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَیْعَةً لَّهٗ فِیْ عُنُقِیْ لَا اُحُوْلُ عَنْهَا وَلَا اُزُوْلُ اَبْدًا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِنْ اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ وَ ...

مرحله هویت یابی در دعای ندبه در دو بخش می‌باشد: در بخش اول فرد با تجدید بیعت و عهد خود تضمین می‌دهد از پیمان خود با امام خویش برنگردد و این عهد را زایل نکند و پیوند همیشگی خود با امام را اعلام می‌دارد، در واقع در اینجا فرد وفاداری خویش را بیان می‌کند؛ فرد در این دعا بر عهد و پیوند خویش با امام استوار و راسخ ثابت می‌ماند.

در این دعا پیوند عجیبی با امام زمان را مطرح می‌کند ابتدا وعده و عهد با امام می‌بندد اما آرام نمی‌شود. یک گام بالاتر قدم می‌دهد و صحبت از عقد و گره خوردن به امام مطرح می‌کند اما باز هم جوشش خود را آرام نمی‌یابد و لذا صحبت از بیعت می‌کند یعنی تسلیم تسلیم.

نکته بعدی که اتصال و ارتباط بین منتظر و امام را نشان می‌دهد در کلمه «فی عنقی» است یعنی اماماً؛ من به این عهد و عقد و بیعت خویش با تو علاقه دارم، علاقه افتخار آمیز.

در بخش دوم فرد از خدای خویش پایبندی بر این عهد را طلب می‌کند به این گونه که

او را از اعوان، انصار، فرمانبران حضرت و یاری دهندگان حضرت قرار دهد یعنی زندگی و هویت منتظر باید بر مبنای یآوری امام خویش تعریف شود.

در این دعا منتظر فقط در عرصه ایمان باقی نمی ماند بلکه باید پای در وادی عمل هم بگذارد و در تلاش برای اطاعت از مولا و مرید خویش در یاری و نصرت وی شتاب کند. برای این که ثبات خود را در میدان عمل برای مولای خود نشان دهد آرزوی شهادت و جانبازی در کنار حضرت را بیان می دارد یعنی ای آقای من، در راه آرمان تو جان خویش را هم فدا می کنم. هویت منتظر با عهد، عقد، بیعت، یاری، جانبازی و شهادت در رکاب امام عصر شکل می گیرد. یعنی منتظر واقعی فناء در امام زمان است.

مرحله هویت در دعای عهد به نوعی منتظر، شخصیت خویش را در وفا به عهد و پیمان می بیند و باید در راه آرمان های امام خویش از مجاهدت و تلاش دست نکشد.

د) مرحله هیجان

نتیجه تغییر وضعیت و هویت عاطفی در منتظر سبب بروز جهت گیری خاصی می شود که نشانه هایی فیزیکی دارد و می توان آن را با بیان جسمی یا فعالیت جسمانه ای یکی دانست. در این دعا این مرحله را در سه قسمت بیان کرد:

در قسمت اول، مرحله هیجان فرد شور و عشق خود به مولا را تا بعد از مرگ هم ادامه دار می بیند و طلب می کند اگر در ایام ظهور در دنیا نباشد از قبر با حالت آمادگی برای جهاد و مبارزه خارج شود:

اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيُنْفِي مُجَرِّدًا أَقْنَانِي مُلْتَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي.

در قسمت دوم فرد منتظر ابتدا به ابراز ارادت و مودت با امام خویش می پردازد و امام را نور چشم خویش می بیند و بر خود فرض می بیند که امام را از چاه غربت نجات دهد:

اللَّهُمَّ ارْنِي الطَّلَعَ الرَّشِيدَ وَالْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَاكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مَنِي إِلَيْهِ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَأَوْسِعْ مَهْجَهُ وَأَسْلِكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ وَاشْدُدْ أَرْزُهُ.

در قسمت سوم این مرحله به جایگاه اجتماعی حضرت به عنوان زنده کننده حق، مُبْطِلِ باطل، محقِّ حق، یاور مظلومان، زنده کننده احکام دین و نابود گر ظالمان معرفی می کند:

وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَأَخِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ مَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأُظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ

هـ) مرحله ارزیابی

آخرین مراحل فرایند عاطفی نوعی ارزیابی یا قضاوت است که در دعای عهد در این عبارت به توضیح ارزیابی می‌پردازد:

اللَّهُمَّ وَسُرَّيْكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤُوسِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ وَأَرْحَمَ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

در این مرحله طلب خوشحالی پیامبر و یارن حضرت را می‌نماید و این خوشحالی محقق نمی‌گردد مگر با رویت و دیدار یار غائب از نظر، در اینجا فقط یک دیدار گذرا را طلب نمی‌کند بلکه طالب دیداری است که بعد آن آرامش برای افراد باقی بماند. این آرامش محقق نمی‌گردد مگر با فرج، که دشمنان آن را دور و دوستان آن را نزدیک و هر لحظه منتظر آن هستند؛ در پایان دعا با این جمله روح امید و رجاء را در منتظران زنده نگه می‌دارد.

۳. عنصر تصویر در دعای عهد

در دعای عهد ما تصویرسازی را نسبت به خداوند، فرد منتظر و امام زمان مشاهده می‌نماییم. در دعای عهد رکن اساسی فرد منتظر است و دعا بیشتر ناظر به فرد منتظر است، تصویری هم از امام عصر و جامعه بیان می‌کند.

الف) تصویر خداوند منان

در دعای عرفه تابلویی از خداوند ترسیم کرده و صفات خداوندی را در آن نوشته است، تنها کسی که می‌تواند نعمت بدون استحقاق بخشد؛ در این ۱۶ صفت از خداوند متعال را ذکر می‌کند که این صفات از یک سوناظر به رحمت الهی هستند و از یک سو بیانگر قدرت و مالکیت خداوند و تسلط بر همه چیز عالم را می‌رساند.

در دعای عهد که مؤلفه‌های زندگی معنوی را بیان می‌نماید، ابتدا تصویر خداوندی را ترسیم می‌کند که نازل قرآن، تورات، انجیل و زبور است یعنی تمام ادیان به دست او هدایت یافته‌اند و این کتاب‌ها که برای هدایت بشر هستند با بحث زندگی مهدوی و معنوی هم سواست و از طرفی هم خدا را رب انبیاء و ملائکه می‌باشد که این صفات به این نکته اشاره دارد که تمام انسان‌ها و ملائکه با لطف خداوند به کمال رسیده‌اند و

منتظر باید خود را از این طریق به امام برساند «مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبِّ الظَّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ». در ادامه خدا را مالک حیات و ممات و رقاب بندگان می‌نمایاند، خداوندی که حی و قیوم است «يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ يَا مُحْيِي الْمَوْتَى وَمُمِيتَ الْأَحْيَاءِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» واین که زندگی و مرگ انسان در دست قدرت خدا است با بحث رجعت که در دعا عنوان می‌گردد هم خوانی و هماهنگی تام دارد.

ب) تصویر فرد منتظر

تصویری که در دعای عهد از فرد منتظر بیان می‌شود دارای دو صحنه متفاوت است که تابلویی از حیات حقیقی یک منتظر را برای ما ترسیم می‌کند. تصویر اول دوران حیات منتظر قبل از مرگ و دوران غیبت امام عصر است فردی را که وصف می‌کند که تمام دوران حیات خویش را بر عهد امام خود خود استوار، و هر لحظه آماده یاری، نصرت و فداکاری در راه امام خویش است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ

تصویر دوم ناظر به بحث رجعت منتظر و یاری امام در هنگام قیام حضرت است که این تصویر اوج شوق و شور و دل‌بستگی منتظر به امام را متبلور می‌شود که منتظر در آن لحظه از قبر برخاسته در حالی که کفن را به مانند لباسی بر خود بسته است شمشیر خود را کشیده است و نیزه را برای جهاد مهیا کرده است و در حال لبیک گفتن به دعوت امام عصر است:

فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيِّئِي مُجَرَّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي.

این تصویر اوج شوق و شور منتظر به امام خویش را برای ما مجسم می‌کند.

ج) تصویر امام

در دعای عهد دو تصویر از امام عصر برای ما به نمایش در می‌آید که یک بخش از این تصویر قابی از شخصیت حقوقی حضرت به عنوان امام جامعه و ناظر به شخصیت جهانی حضرت که مولای مردم، پیشوا و امام جامعه، هادی و قائم‌کننده برحق است:

«مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمُهَدِّيَّ الْقَائِمَ» این تصویر به نوعی تأثیر بر عقل فرد را هدف قرار می‌دهد.

تصویر دیگری که از امام عصر ارائه می‌گردد تصویری از شخص امام که او فرزند پیامبر و از نسل حضرت فاطمه است «ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ» تصویر دیگری بیشتر صورتی عاشقانه از امام را ترسیم می‌کند امامی که دارای جمال ستوده و سرمه‌ای برای چشم و زینت دهنده چهره منتظران است:

اللَّهُمَّ ارِنِي الظَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَاكْخُلْ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مِنِّي إِلَيْهِ.

تصویر غیر مستقیمی هم از امام ارائه می‌نماید بیانگر نقش یاری‌گری و دستگیری حضرت در جامعه است:

وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمُظْلُومٍ عِبَادِكَ وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ.

۴. عنصر موسیقی دعای عهد

در دعای عهد عبارات کوتاه و دارای فواصل مشخص است این کوچک بودن جملات به طور طبیعی قوت و استحکام را منتقل می‌کند. فاصله‌ها تقریباً وزنی مساوی دارند و قافیه نیز در آن رعایت شده است از همسازی حروف واژگان و هماهنگی کلمات در درون جمله‌ها یک ریتم موسیقی‌یایی پدید آورده است به طور مثال به این فراز دعا توجه کنید «فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرّاً كَفْنِي شَاهِراً سَيْفِي مُجَرِّداً قَنَاتِي مُلَبَّياً دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي» کلمات «قبری، کفنی، سیفی، قناتی، الدعی و البادی» دارای یک قافیه هستند و فاصله‌های این عبارات تقریباً برابر است که یک ریتم را پدید می‌آورد.

نظم آهنگ در این جا به پیروی از نظام موسیقی‌یایی جمله نه کوتاه است و نه بلند؛ و طولی میانه دارد و با تکیه بر حرف «روی» فضایی سلسله‌وار یافته است؛ در اینجا مثال دیگری ذکر می‌شود: «عَجَلْ فَرْجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَأَوْسِعْ مِنْهَجَهُ وَ اَسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ وَ اشْدُدْ أَرْزَهُ» کلمات «فرجه، مخرجه، منهجه، محجته، امره و ازره» قافیه مشترک این کلمات یک جو متصل و پیوسته ایجاد کرده است.

در مثال ذیل طول جملات بلندتر شده است اما اتصال مفهوم و معنا از طریق حرف روی مشترک حفظ شده است:

وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمُظْلُومٍ عِبَادِكَ وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ وَ مُجَدِّداً لِمَا عُظِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُسَيِّداً لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ.

شاهد مثال در قافیه «عبادک، غیرک، کتابک، دینک و نبیک» است.

در عبارات مربوط به اعلام آمادگی منتظر نوعی تشویق و ترغیب را در خود به همراه دارد. عبارات کوتاه و تکیه‌های کلام بر حروفی خاص و پرطمطراق است مثلاً در عبارت «موتزراً کفنی» تکیه گاه روی همزه با کرسی واو ساکن ما قبل مضموم و حرف زاء می باشد که قرار گرفتن این دو حرف در کنار هم محوریت صوتی کلام را با عنوان حروف مهجوره تشکیل می دهند که به قوت و وضوح بیان می گردند.

در همین بخش تشویق و ترغیب در عبارت «شاهراً سیفی، مجرداً قناتی» که حرف شین خود یک بروز بیرونی و قوت را همراه دارد و در عبارت «مجرداً قناتی» حرف ج از حروف مهجوره است که هنگام کلام سبب وضوح بیان می شود و حرف قاف دارای استعلا می باشد و این کلمه با فخامت و پری بیان می گردند.

در کل با توجه به این که دعای عهد بیشتر روح حماسی و انگیزشی دارد از ابتدای دعا عبارات محکم است و نوع حروف استفاده شده از حرف پرحجم و شدت دار و محکم است.

۵. مضامین دعا

مضامین دعای عهد به دو بخش فردی و موضوعی (غیر فردی) تقسیم می شود بعضی از مضامین فردی دعا، مباحث عبادی و توحیدی هستند.

الف) مضامین فردی

به طور کلی تمام موضوعات ادعیه به نوعی ناظر به خواست های فردی است ولی برخی از درخواست ها نمود فردی بیشتری دارد.

عمده درخواست در این دعا، قرار گرفتن در زمره اعوان و انصار و یاران و ملازمان و محافظان و تابعین و دوستان و خونخواهان و خالصان و پیشروان در ادای اوامر حضرت و راضی و تسلیم بودن نسبت به آن حضرت، از منتظران ظهور و فرج حضرت بودن، محشور گشتن زیر پرچم حضرت، در قیامت از یاران حضرت بودن، توفیق ادای حقوق آن حضرت، درک ظهور و زمان پس از ظهور حضرت و بازگشت و زنده شدن در صورت مرگ قبل از ظهور است.

واضح ترین مضمون فردی در دعای عهد بحث آرزو و اشتیاق همراهی و حضور در رکاب و جان فشانی برای حضرت است:

اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيِّئِي مُجَرَّدًا قَتَانِي مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي.

(ب) مضامین موضوعی

مضامین دربردارنده مسائل کلی اجتماع را در دعای عهد به شرح ذیل می‌توان تقسیم کرد:

عبادی (تحمید و توحید): آغاز ادعیه با بحث توحید و خداشناسی مخصوص در ادعیه انتظار ناظر به این است که خداشناسی مقدمه امام‌شناسی است و مضامین توحیدی هر دعا تا حدی ناظر به دیگر فرازهای دعا می‌باشد. در دعای عهد بحث قیام و آمادگی برای جهاد در عصر ظهور است بنابراین بیشتر به صفات خالقیت و قدرت خداوند اشاره می‌گردد.

اجتماعی: امور اجتماعی یکی از مسائل موضوعی است که در دعای عهد به آن توجه شده است.

سیاسی: از بعد سیاسی در دعای عهد و تمام ادعیه انتظار مهم‌ترین نکته سیاسی بحث ولایت امام در جامعه و حاکمیت معصوم است و در دعای عهد در قالب دعا برای فرج حضرت به نقش جهان شمول ولایت در جامعه بشری اشاره دارد. و متذکر این نکته می‌گردد که امام احیاگردین، برپاکننده عدالت و منجی بشریت است. تکرار مداوم جایگاه ولایت برای مردم در ادعیه انتظار با بیان‌های متفاوت ضرورت توجه به آن و اهمیت ولایت‌مداری را برای ما روشن می‌سازد.

فرهنگی: در دعای عهد یک سبک زندگی برای منتظر معرفی می‌شود، در این دعا نوع پرداختن به مقوله توحید و نقش و جایگاه خداوند و صفات او. مثل حی لایموت، اول و آخر، نور آسمان و زمین، اصلاح‌کننده تمام امور و... در حیات فرد مسبب خدامحوری منتظر در تمام امور زندگی می‌گردد.

دومین نکته از زندگی بحث ولایت است؛ در این دعا ولایت سبب آرامش زندگی انسان، احقاق حقوق در جامعه، برپاکننده عدل است. پیروزی قطعی حق بدون ولی خدا در جامعه میسر نمی‌شود لذا دومین رکن از حیات و زندگی مهدوی باید ولایت‌مداری باشد.

سومین رکن زندگی مهدوی را می‌توان آمادگی دائم، تمام و کمال برای یاری حضرت

دانست، فرد منتظر باید زندگی خویش را به گونه‌ای سامان دهد که در تمام شرایط مهیا برای یاری امام خویش باشد.

جلوه‌های علم معانی و بیان در دعای عهد

در این بخش به بحث عنصر معنوی دعای عهد که ناظر به مباحث علم معانی و بیان است پرداخته می‌شود.

۱. جلوه‌های علم معانی

در دعای عهد عناصر علم معانی که به کار رفته است به شرح ذیل می‌باشد:

الف) خبر و انشاء

اولین اسلوبی که در علم معانی بدان پرداخته می‌شود بحث خبر و انشاء است در ادامه اهم نکات خبری و انشائی این دعا معرفی می‌گردد.

۱. مبحث خبر

نکته قابل تأمل در دعای عهد این است که سهم جملات خبری در این دعا اندک است یکی از دلایل استفاده کمتر از جملات خبری در دعا این است که برای بیان انشاء عهد و پیمان است و لذا بیشتر از جملات انشایی استفاده می‌شود.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا». جمله خبری و برای افاده حکم خبر است. در اینجا هم خروج از مقتضای ظاهر خبر از حیث تأکید مشاهده می‌شود چون خداوند شک و متردد نیست علیرغم آن جمله با تأکید به کار رفته است.

«فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»: جمله خبری و لازم الفائده است و باز هم مخاطب را به منزله شک و مردد فرض کرده و جمله را با تأکید بیان کرده است و این گونه بیان شک و تردید برای بیان جمله بعد است.

«إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا»: جمله خبری و لازم الفائده خبر است؛ در این عبارت خروج از مقتضای ظاهر هم مشاهده می‌شود چون خداوند منان در این که دشمنان فرج دور و مؤمنان نزدیک می‌بینند تردید ندارد و اما در این عبارت اسلوب طلبی به کار رفته است.

«العجل»: در این جا باب اغراء و تحذیر است و «العجل» مفعول برای فعل محذوف است و در اینجا خبر در مقام امر و هدف از امر در اینجا استغاثه است.

۲. مبحث انشاء

ادوات انشایی موجود در دعای عهد یا اسلوب ندا است یا اسلوب امر. الف) ادوات امر: ۱۹ مورد امر در این دعا به کار رفته است. در ذیل به دو مورد از ادوات امر به کار رفته در این دعا پرداخته می شود.

بَلِّغْ مَوْلَانَا: در این جا فعل امر در مقام دعا و فرد فرج مولای خود را طلب می کند. فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي: فعل امر در مقام دعا و تضرع است. اکثر کاربرد امر در دعای عهد به همین دو مورد بازگشت دارد، لذا برای جلوگیری از اطناب به همین موارد اکتفا می شود.

ب) ادوات ندا: یکی از مهم ترین اسالیب انشائی به کار رفته در دعای عهد بحث ندا است؛ ۲۷ مورد ندا که دو مورد آن خطاب به حضرت حجت و ۲۵ مورد آن خطاب به خداوند منان است.

در این دعا سه نوع اسلوب ندا به کار رفته است، نکته قابل توجه در نداها این است که در بسیاری از موارد حرف ندا حذف شده است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ: زمانی که «الله» منادا واقع شد، می تواند حرف ندا حذف شده و به جای «یا الله»، «اللهم» قرار گیرد و در این اسلوب ندا در باب خداوند متعال در بسیاری از ادعیه به کار رفته است. شاید یکی از عواملی کثرت استفاده از «اللهم» ضرب آهنگ این کلمه باشد که فخامت و عظمت بیشتری را منتقل می کند.

رَبِّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ: منادای مضاف و شاهد حذف ادوات ندا هستیم. يَا مُخَيِّ الْمَوْتَى: منادای مضاف و ادات به کار رفته «یا» و برای منادای قریب است اما در اینجا برای منادای بعید به کار رفته است و غرض از خروج از استعمال معمول به خاطر منزلت و جایگاه مخاطب از این ادات استفاده شده است. دلیل این که در دعای عهد ۶ مرتبه خداوند متعال را با عنوان «حی» یا هم معنای آن با تعابیر مختلف استفاده شده است امکان ارتباط با مسئله رجعت را بیان می کند.

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ: منادای علم و مرفوع، ادات به کار رفته «یا» است و مانند مثال قبل ادات ندا از استعمال عادی خود خارج شده است. و این گونه استعمال در پی این است علاوه بر این که رفعت جایگاه مخاطب ندا را نشان دهد نزدیکی خداوند به بندگان را هم تذکر دهد.

یا مولای، یا صاحب الزمان: منادای مضاف و به هدف استرحام و استعطاف حضرت به شیعیان به کار رفته است.

ب) حصرو قصر

در دعای عهد در دو عبارت شاهد استفاده از عنصر قصر هستیم:

«لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». در اینجا شاهد استفاده از ادات نفی و استثناء هستیم. قصر در اینجا حقیقی و از نوع قصر صفت بر موصوف، که در مقام مدح ابلغ است. استفاده از این قصر در ابتدای دعای عهد ناظر به بی کسی منتظران و امیدواری مطلق آنها به حضرت باری تعالی است. آخرین عبارت در پایان بحث تحمید خداوند این قصر است.

«وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ... نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ». ادات قصر به کار رفته نفی استثناء است. از نوع قصر صفت بر موصوف و از نوع حقیقی است. و توجه به این نکته می دهد که تنها یاورانسان خدا است و در برخی زمان ها که احساس تنهایی هم می کند باز هم خدا با اوست و هدف قصر هم استعطاف می باشد.

ج) عنصر اطناب

از مباحث مهم بلاغت بحث اطناب و ایجاز است؛ دعا عهد بسیاری از موارد در مقام مدح و تحمید و ... از اطناب استفاده شده است.

۱. عنصر تکرار

یکی از تکرارهای قابل توجه در دعای عهد حول کلمه «رَبِّ» است که در عبارات ابتدای دعا ۵ مرتبه پی در پی از این عنوان استفاده می کند. این تکرارها در ابتدای دعا بار معنایی فراوانی دارد. در دعاها اصرار و الحاح در درگاه الهی با کلمه «رَبِّ» عجین شده است و در دعای عهد که به نوع به شرایط زندگی مهدوی اشاره دارد با این کلمه به جایگاه سازندگی و پرورشی خداوند متعال توجه بدهد و از او در این مسیر ساخته شدن استمداد کند؛ و از طرفی دیگر شاید مناسب ترین اسم با مقوله رجعت - که در این دعا از آن سخن به میان آمده است - باشد یعنی خداوند هم پرورش دهنده است هم توان زنده کردن مجدد اموات را دارد.

«العجل العجل»: تکرار در اینجا برای تاکید استغاثه و تظلم است.

«الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مُؤَلَّي يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ»: تکرار این عبارت سه مرتبه در پایان دعا نشانگر اوج تضرع و التماس برای فرج حضرت است.

۲. ذکر خاص بعد عام

۱. «اللَّهُمَّ رَبَّ الثُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ»: در این قسمت ۶ عبارت برای ندا به کار رفته است که از حیث معنا ناظر به خالقیت خدا برای پدیده‌های عالم است. این عبارات در مقام مدح و تحمید ایراد گردیده است.

۲. «فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا». اطناب به بسط؛ در این عبارت ابتدا کلمه مشارق و مغارب را آورده است و سپس مجدد ذکر پستی و بلندی، خشکی و دریاها بیانگر عشق و علاقه بدون مرز و شرایط است یعنی در هر کجای عالم عشق به حضرت حجت و توجه مؤمنین به همه عالم باشد. در یک جمله این اطناب بیانگر علاقه بدون مرز است.

۳. «الظَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ... وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ»: اطناب موجود ناظر به لفظ عنی و عن ووالدی می باشد طبیعتاً فردی که به حضرت حجت منعقد است به طور ظاهری هم که شده در زمره مؤمنین است اما تأکید مجدد خود و اجداد در این دعا ناظر به علاقه بدون تاریخ به حضرت حجت است هم چنان که در عبارت قبل به عشق بدون مرز توجه داد با این بیان عشق بدون تاریخ به حضرت را هم می آموزد.

۴. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَائِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»: در این عبارت ابتدا لفظ انصار را آورده است و بعد از آن صفاتی را ذکر کرده است که از لحاظ بلاغی با اندکی تفاوت در ذیل مفهوم نصرت و یاری قرار می گیرد و هدف از بیان این ویژگی ها شدت اهتمام فرد بر یاری مولای خویش و تأکید بر ثبات قدم در مسیر انتظار امام عصر است.

۳. تذیل

آوردن جمله ای در پی جمله اول که با آن هم معنا است تا تأکیدی باشد برای منطوق و مفهوم جمله اول. (هاشمی، احمد، جواهر البلاغه، ۱۵۶) که از باب نمونه ثبه یک مورد اشاره می شود: «فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ...» در این جا شاهد مثال بین «قولک الحق» و جمله «فانک قلت» است که جمله دوم تأکید مفهوم حق بودن قول خداوند است.

۲. مباحث علم بیان

عنصر صورت‌گری در دعای عهد به شرح ذیل می‌باشد:

الف) مجاز

«أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ»: مجاز؛ در «السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ» به علاقه جزئیت؛ و مراد همه عالم است.

«وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ»: مجاز مرسل؛ در «بِلَادَكَ» که غرض از آن آبادانی دوری از هرگونه فساد و ناهنجاری می‌باشد و آبادی ظاهری ملاک نیست بلکه رشد علمی، اخلاقی و معنوی مردم نشانگر آبادی زمین است.

«بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»: مجاز مرسل؛ در «ایدی» که مراد اعمال و رفتار مردم است.
«بِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ»: مجاز؛ «الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ» تمام بندگان خدای متعال مراد است.

ب) استعاره

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»: استعاره مصرحه تبعیه در «ظهر»، در این عبارت کثرت فساد «کثر» تشبیه به «ظهر» یعنی آشکاری شده است.

«الظُّلُمَةُ الرَّشِيدَةُ»: استعاره مصرحه اصلیه مرشحه؛ امام عصر را به طلوع و بلندی خورشید تشبیه کرده است و این بیانگر نقش تأثیرگذار حضرت می‌باشد.

«وَالْعُزَّةَ الْحَمِيدَةَ»: استعاره مصرحه اصلیه مرشحه؛ امام را به «غره» تشبیه کرده زمانی که بلندی جایگاه حضرت مشخص شد او مانند نوری درخشان بر عالم اثر می‌گذارد.
«وَإِكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مِّنِّي إِلَيْهِ»: استعاره مصرحه تبعیه، در «اکحل» که مشبه در این جا «نور» است. چشمان مرا با دیدار حضرت حجت نورانی و زیبا کن مثل سرمه که سبب تقویت و زیبایی چشم است.

«أَخِي بِهِ عِبَادَكَ»: استعاره مکنیه تبعیه در «احی» که مورد هدایت است.

«وَمُجَدِّدًا لِّمَا عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامٍ كِتَابِكَ»: استعاره مصرحه مجرد، ترک کردن و فراموش کردن احکام دین خدا به تعطیلی تشبیه شده است تا بیانگر شدت این ترک باشد و به نوعی استرحام و استعطاف است.

«لِّمَا وَزَدَ مِنْ أَعْلَامٍ دِينِكَ»: استعاره مصرحه اصلیه مطلقه در «اعلام دینک»؛ امامان و

اهل بیت را به اعلام و نشان‌های دین تشبیه کرده است تا بیانگر جایگاه حضرت در جامعه باشد.

«اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنَتْهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ»: استعاره مصرحه تبعیه؛ در «حصن» که حفظ و نگهبانی از امام را به آن تشبیه کرده تا شدت طلب خود را نهایت اهمیت نسبت امنیت امام را منتقل کند.

«اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِخُصُورِهِ»: استعاره مصرحه اصلیه مجرده؛ غم دوری و فرا حضرت را تشبیه به غمه و سنگینی کرده است تا سنگینی این فراق را برساند.

ج) کنایه

«رَبِّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ»: کنایه از قدرت و سلطه خداوند متعال.

«مُلَيَّباً دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي»: در «الْحَاضِرِ وَالْبَادِي» که مراد همه عالم است.

«أَشَدُّ أَرْزَةً»: کنایه از صفت یعنی او را کمک و یاری کن تا در ادای مسئولیت سنگین هدایت امت و نابودی کفر موفق باشد.

«وَأَعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ»: کنایه از رفع فساد و مشکلات در جوامع.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام گرفته در دعای عهد، عناصر فکری، ساختاری، شکلی، معنوی و تصویری در این دعاها را می‌توان در عبارات ذیل خلاصه نمود:

۱. عنصر فکری در دعای عهد بیانگر زندگی مهدوی منتظر است که ۸ مؤلفه برای زندگی مهدوی بیان می‌کند: خداشناسی و استمداد از او، شناخت امام عصر، ابراز علاقه به امام، برخورد از نگاه جهان شمولانه، عهد و پیمان با امام خویش، آمادگی برای وفای به عهد، دعا و استمداد از خدا و آشنایی با وظایف امام عصر است.

۲. عنصر شکلی در دعای عهد از ۵ قسمت تشکیل می‌شود:

الف) عنصر محاوره: در دعای عهد فقط شاهد خطاب مشخص هستیم و مخاطب خداوند متعال و امام عصر است؛ البته خطاب در این دعا بیشتر متوجه خداوند متعال است.

ب) عنصر عاطفه: این عنصر در دعای عهد به صورت ۵ مرحله تحریک

عاطفه، مرحله آمادگی، مرحله هویت، مرحله هیجان و مرحله ارزیابی خودنمایی می‌کند.

ج) عنصر تصویر: در دعای عهد در دعای عهد تصویرسازی نسبت به خداوند، فرد منتظر و امام زمان مشهود است؛ در دعای عهد رکن اساسی فرد منتظر است و دعا بیشتر ناظر به فرد منتظر است.

د) عنصر موسیقی: با توجه به این که دعای عهد بیشتر روح حماسی و انگیزشی دارد از ابتدای دعا عبارات محکم و با صلابت است و نوع حروف استفاده شده از حرف پرحجم و شدت دار و محکم است.

ه) مضمون: مضامین در دعای عهد به بخش های عبادی، اجتماعی تقسیم می شود مضامین عبادی ناظر به بحث توحید و تحمید خداوند متعال است؛ در بعد اجتماعی مسائل سیاسی، فرهنگی و نظامی در این ادعیه مورد توجه واقع شده است. در بحث مضامین سیاسی مهم ترین نکته محوریت امام و ولی الله در جامعه است. در بحث فرهنگی توجه به مؤلفه های زندگی مهدوی، عدم داشتن نگاه قبیله ای به مقوله انتظار و اهمیت توجه به شبهات است و در مسائل نظامی توجه به آمادگی منتظران چه از لحاظ جسمی و چه روحی است.

۳. عنصر ساختاری: در دعای عهد محور عمودی در یک بخش به اعتقاد مربوط می شود؛ در محور بعدی ابلاغ سلام و درود منتظر به امام و بعد عهد و پیمان منظر با امام خویش است در مرحله بعد منتظر برای یاری امام خویش پا به میدان عمل می گذارد و بعد از اعلام تسلیم بودن خود برای فرج و ظهور دعا می کند در پایان هم او را آرامش و مایه تسکین بعد از شدت بیان می کند. در محور افقی بحث اوصاف خدا، آمادگی منتظر، و دعا برای فرج را مشاهده می کنیم.

۴. عنصر معنوی: در دعای عهد ۴ جمله خبری و در بحث انشاء شاهد ۱۹ مورد فعل امر، ۲۷ مورد اسلوب ندا که ۲۵ مورد خطاب به خداوند و ۲ ندا هم نسبت به حضرت حجت می باشد؛ در این دعا دوبار اسلوب قصربه کار رفته که هر دو مورد از باب نفی و استثناء است و یک مورد فصل از نوع کمال اتصال است؛ در بحث اطناب شاهد ذکر خاص بعد عام در ۴ مورد، تکرار و تزیین می باشیم.

هم چنین در این دعا استعاره ۹ مورد، مجاز ۴ مورد و کنایه ۴ بار به کار رفته است و تشبیه اصلاً یافت نشد.

منابع

۱. ابن طاووس، سید علی (۱۴۰۶ق)، *فلاح السائل ونجاح المسائل*، قم، بوستان کتاب، اول.
۲. ابن طاووس، سید علی (۱۴۱۷ق)، *مصباح الزائر*، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، اول.
۳. ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۰۹ق)، *المزار الکبیر*، مصحح جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۴. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ش)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، مصحح: رسولی محلاتی، هاشم، تبریز، بنی هاشمی، اول.
۵. حر عاملی، محمد حسن (۱۳۶۲ش)، *الایقاظ من ההجعة بالبرهان علی الرجعة*، مترجم: احمد جنتی، مصحح: هاشم رسولی، تهران، نوید، اول.
۶. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۸ق)، *البلد الامین والدرع الحصین*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، اول.
۷. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۰۵ق)، *المصباح*، قم دارالرضی، دوم.
۸. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم.
۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۳ق)، *زاد المعاد*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، اول.
۱۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، مصحح: مؤسسه آل البيت، قم، کنگره شیخ مفید، اول.
۱۱. هاشمی، احمد (۱۳۸۸ش)، *جواهر البلاغة*، تهران، حقوق اسلامی، دوم.